

نامه‌های خواجه عبیدالله احرار و بستگان او

دکتر عارف نوشاهی*

The Letters of Khwāja 'Ubayd Allāh Ahrār and his associates / by Jo-Ann Gross and Asom Urunbaev. Published in cooperation with the Al-Beruni Institute of Oriental Studies of the Academy of Sciences of the Republic of Uzbekistan. - Leiden; Boston; Köln: Brill, 2002; xvi +469pp.+illustrations. ISBN 90-04-12603-1.

چکیده

نامه‌های خواجه عبیدالله احرار و بستگان او عنوان کتابی است که با همکاری دکتر عصام الدین اورنبایف و خانم دکتر جو - ان گروس فراهم آمده و در سال ۲۰۰۲ م. از طرف انتشارات بریل با همکاری انستیتو مطالعات شرقی بیرونی (وابسته به فرهنگستان علوم جمهوری ازبکستان) منتشر شده است. نامه‌های خواجه عبیدالله احرار... در واقع، صورت حروفی و ترجمه شده مجموعه‌مراسلات است که دستنویس آن در انستیتو مطالعات شرقی بیرونی در تاشکند نگهداری می‌شود و شامل ۵۹۴ نامه به دستخط ۱۶ نفر از مشایخ و اکابر ماوراءالنهر و خراسان، خطاب به میرعلی شیر نوایی (۸۴۱ یا ۸۴۴ - ۹۰۶ ه. ق) است. ۱۲۸ نامه از این مجموعه، مربوط به خواجه عبیدالله احرار است.

*. استاد دانشگاه لاهور (پاکستان).

نامه‌های خواجه عبیدالله احرار... در دو بخش، تهیه گردیده است. در بخش نخست، که شامل سه مطلب است، توضیحاتی دربارهٔ طریقت نقشبندیه و خواجه عبیدالله احرار، مجموعهٔ مراسلات و معرفی نسخهٔ خطی مجموعهٔ مراسلات و نامه‌نگاران، ارائه داده شده است. بخش دوم، شامل ترجمهٔ انگلیسی نامه‌ها و متن فارسی آنها است. کتاب در بردارندهٔ سه پیوست نیز هست: نمایه‌ها به حروف لاتین، نمایه‌ها به حروف فارسی، چاپ فاکسیمیلهٔ مجموعهٔ مراسلات و تصاویر مزار خواجه احرار و دیگر ساختمانهای سمرقند، هرات و تاشکند. با وجود زحمات بسیار، که دکتر عصام‌الدین ارونبايف در قرائت نامه‌ها متحمل شده است، چند نکتهٔ ضعف در آنها مشاهده می‌شود، که عبارتند از: ۱. عدم مطابقت متن چاپ شده با اصل. ۲. اشکالات املائی فارسی. ۳. اشتباهات تایپی. ۴. اشکالات وارد بر نظرات فراهم آورندگان نامه‌ها.

۱

نامه‌های خواجه عبیدالله احرار و بستگان او [از این به بعد فقط نامه‌های احرار] عنوان کتابی است که در ۲۰۰۲ انتشارات بریل با همکاری انستیتو مطالعات شرقی البیرونی وابستهٔ فرهنگستان علوم جمهوری ازبکستان (تاشکند) منتشر کرده است. بریل (تأسیس ۱۶۸۳ م) با سه شعبه در لایدن و بوستون و کولن یکی از معتبرترین ناشران کتابهایی در زمینهٔ خاورشناسی و اسلام است و نشانهٔ او بر روی جلد علامت اعتبار تحقیق و تفحص دارد. من شاید تا مدتی دیگر از مطالعهٔ کتاب «نامه‌های احرار» محروم می‌مانم، اگر دوستم دکتر نجدت طوسون (Necdet Tosun) استاد دانشکدهٔ الهیات دانشگاه مرمر، استانبول عکس این کتاب را برای من به اسلام‌آباد نمی‌فرستاد. او می‌داند که حوزهٔ مطالعات من خواجه عبیدالله احرار (۸۰۶ - ۸۹۵ هـ) است. در روزهایی که کتاب احوال و سخنان خواجه عبیدالله احرار (چاپ مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۸۰) را آماده می‌کردم، این دوست دانشمند فارسی‌دان از خزائن ترکیه منابع نقشبندیه را عکس می‌گرفت و برای من به پاکستان می‌فرستاد و اکنون مکرر لطف فرمود و این کتاب گران قیمت را - که هنوز از انتشار آن چند ماه نگذشته بود و شاید به این زودیها به کتابفروشیها و کتابخانه‌های پاکستان نمی‌رسید - در اختیارم گذارد. این حکایت از سعهٔ صدر علمی او دارد و پاداش آن نزد خداوند بزرگ است.

باری نامه‌های احرار با همکاری دکتر عصام‌الدین ارونبايف و خانم دکتر جو - ان

گروس فراهم آمده است. دکتر ارونبایف تاریخ‌دان و نسخه‌شناس معروف ازبکستان است و تا مدتی مدیر انستیتو مطالعات شرقی البیرونی بوده است و از کارهای مهم او ترجمه و چاپ نامه‌های عبدالرحمان جامی است (نک: دنباله مقاله). خانم دکتر گروس استاد تاریخ در دانشکده نیوجرسی، ایالات متحده امریکا است و در سالهای اخیر توجه ایشان به پژوهشهایی در تاریخ اجتماعی و اقتصادی نقشبندیه در آسیای میانه بوده است و در این زمینه کتاب و مقالات متعدد ارائه داده است. از آن جمله کتاب *Muslims in Central Asia: Expressions of Identity and Change* چاپ ۱۹۹۲ م.

کتاب نامه‌های احرار در واقع صورت حروفی و ترجمه شده مجموعه مراسلات است که نسخه خطی آن در انستیتو مطالعات شرقی البیرونی، تاشکند، شماره 2178 نگهداری می‌شود و شامل ۵۹۴ نامه به دستخط ۱۶ نفر از مشایخ و اکابر ماوراءالنهر و خراسان خطاب به میرعلی شیرنوازی (۸۴۱ یا ۸۴۴ - ۹۰۶ هـ) است. به همین مناسبت گاهی این مجموعه آلبوم نوایی / مرقع نوایی نیز خوانده شده است. این مجموعه یعنی نامه‌های اصلی را محمد شریف خان مخدوم معروف به صدرضیا (۱۸۶۷ - ۱۹۳۲ م) که آخرین «قاضی کلان» بخارا در امارت عالم خان (۱۹۱۰ - ۱۹۲۰) بود، در سال ۱۹۳۸ م به بخش نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی دولتی نوایی بخشید و در ۱۹۳۹ م عبداللہ عادل اف (م ۱۹۴۴) از روی آن دو نسخه استنساخ کرد که هر دو در انستیتو مطالعات شرقی البیرونی، شماره 4245 و 5136 محفوظ است. مجموعه مراسلات در ۴۶ برگ کلان در اندازه ۲۹×۴۱ سانتی‌متر است و همه ۵۹۴ نامه بدون هیچ ترتیبی روی برگها چسبان شده است.

توجه و علاقه مورخان شوروی به مجموعه مراسلات به حدی بوده است که از ۱۹۴۹ م. تاکنون دهها مقاله و تحقیق درباره این مجموعه چاپ کرده‌اند (نک: کتاب مورد بحث، ص ۶۸ - ۶۵) که یکی از آنها رساله دکتری عصام الدین ارونبایف در سال ۱۹۸۴ م. درباره همین مجموعه است.

در مجموعه مراسلات نامه‌هایی از مشایخ به شرح ذیل گرد آمده است:

۱. مولانا نورالدین عبدالرحمان جامی (۸۱۷ - ۸۹۸ هـ)، ۳۳۷ نامه. دکتر عصام الدین ارونبایف این قسمت نامه‌ها را به صورت فاکسیمیله با ترجمه و حواشی روسی در ۱۹۸۲ م. در تاشکند چاپ کرد و بعد از آن دو چاپ دیگر غیر فاکسیمیله به عمل آمد، یکی به نام نامه‌های دستنویس جامی، به کوشش عصام الدین ارونبایف و رضا مایل

هروی، کابل، ۱۹۸۷؛ دیگری به نام نامه‌ها، عبدالرحمان جامی، تهیه و مقدمه و توضیح از عصام‌الدین ارونبايف و اسرار رحمانوف، دوشنبه، ۱۹۸۹ م.
 ۲. خواجه عبيدالله احرار، ۱۲۸ نامه.

۳. محمد بن امين الدين، ۴۴ نامه. هویت او مشخص نیست. از محتویات نامه‌های او قطعی است که او از مردم خراسان بوده است. او در نامه‌های خود بیشتر از اهالی طیس و قاین و قهستان سفارش کرده است. در یکی از نامه‌ها (شماره (430a) 425) می‌نویسد: «دارندگانِ رقعہ از خویشان این فقیراند ساکن ولایت طیس»؛ و در نامه‌ای دیگر (شماره (437) 432) سفارشی از مردی صالح و فقیر و محتاج که در مسجد فیروزآباد قاین مؤذن بود، کرده است. از اینجا می‌توان حدس زد که محمد بن امين الدين همان شمس الدين محمد بن امين الدين قاینی باشد که معین‌الدین محمد زمچی اسفزاری (م ۸۹۹ هـ) او را چندبار در هرات دیده بود^۱ و ازو دعا آموخته بود. حسامی واعظ قهستانی در تاریخ قهستان وی را از مشایخ سلسله زینبیه [کذا: زینبیه منسوب به زین‌الدین خوافی] و مقتدای اهل سنت معرفی کرده است.^۲

۴. میر عبدالاول نیشابوری (م ۹۰۵ هـ)، خلیفه و داماد خواجه احرار، ۲۷ نامه که از آن میان ۱۵ نامه مستقل به امضای خود و ۱۲ نامه مشترک به امضای مولانا قاسم نوشته است.

۵. خواجه علی تاشکندی، مُرید خواجه احرار، ۲۲ نامه.

۶. مولانا قاسم فرکتی (م ۸۹۱ هـ) مُرید محبوب خواجه احرار، ۴ نامه مستقل به امضای خود و ۴ نامه به اشتراک امضای خواجه علی و ۱۲ نامه به اشتراک میر عبدالاول نیشابوری نوشته است.

۷. محمد تبادکانی (م ۸۹۱ هـ)، خواجه احرار او را در ۸۶۶ هـ در سمرقند دیده بود، ۵ نامه.

۸. خواجه محمد یحیی (کُشته ۹۰۶ هـ) فرزند خُرد خواجه احرار، ۶ نامه.

۹. خواجه محمد عبدالله (م ۹۰۸ هـ) فرزند کلان خواجه احرار، ۳ نامه.

۱۰. خواجه محمد بن حسن بن علاء العطار، ۳ نامه.

۱۱. ابوسعید اوبهی، مرید خواجه احرار، ۳ نامه.

۱۲. سعدالدین (احتمالاً کاشغری، م ۸۶۰ هـ)، ۲ نامه خطاب به سلطان ابوسعید.

۱۳. محمد بن عبدالملک، ۱ نامه.

۱۴. تقی‌الدین محمد کرمانی، پدر زنِ خواجه محمد عبدالله بن احرار، ۱ نامه.

۱۵. صوفی علی خراسانی، مرید شیخ زین‌الدین خوافی، ۱ نامه.

۱۶. محمد خواجه؟ ۱ نامه.

کتاب «نامه‌های احرار» در دو بخش تهیه شده است:

بخش اول شامل سه مطلب است: (۱) «نقشبندیه و خواجه عبیدالله احرار» نوشته خانم جو - ان گروس؛ (۲) «مجموعه مراسلات به عنوان مأخذ تاریخ ماوراءالنهر و خراسان در روزگار تیموریان متأخر» نوشته خانم جو - ان گروس؛ (۳) «معرفی نسخه خطی مجموعه مراسلات و مؤلفان (یعنی نامه‌نویسان)» نوشته عصام‌الدین ارونیایف، با ترجمه و ویرایش دکتر جو - ان گروس.

بخش دوم شامل ترجمه انگلیسی نامه‌ها (به قلم دکتر گروس) و متن فارسی (به قرائت دکتر عصام‌الدین ارونیایف) است.

پیوست‌ها:

الف) نمایه‌ها به حروف لاتین دارد، مشتمل بر فهرست منابع، فهرست مؤلفان و نامه‌های آنان، فهرست عمومی اشخاص، فهرست موضوعی، فهرست اماکن.

ب) نمایه‌ها به حروف فارسی نیز دارد، مشتمل بر فهرست نامه‌های مؤلفان رقعات، فهرست نام‌های اشخاص، فهرست اصطلاحات، جایها، کتابها، نام‌های قبایل.

ج) چاپ فاکسیمیله مجموعه مراسلات و تصاویر مزار خواجه احرار و دیگر ساختمانهای سمرقند و هرات و تاشکند.

در بخش دوم کتاب ۲۵۷ نامه از ۱۵ نویسنده عرضه شده است. چون ۳۳۷ نامه جامی در مجموعه مراسلات پیشتر به کوشش دکتر ارونیایف چاپ شده است، در این چاپ مشترک ارونیایف و گروس جای داده نشده است. خواندن این نامه‌ها، که به خطوط رُقعیه، نسخ و شکسته تحریر شده است، کار آسانی نبود. هر کسی به تصاویر نامه‌ها نگاه کند، پی می‌برد که برای خواندن نامه‌ها، به ویژه نامه‌های خواجه احرار که در آن نقطه‌گذاری رعایت نشده است^۳ و بعضی دیگر که به صورت چلیپا نوشته شده است، چه مهارت و ممارستِ نسخه‌خوانی لازم است. عبادالله عادل اف - نخستین ناقلِ مجموعه مراسلات - در رونویسی خود [شماره 4245] به مشکلات خواندن این نامه‌ها اشاره دارد. دکتر ارونیایف از عهده خواندن نامه‌ها خوب برآمده است و چه بسا که از روی نوشته عادل اف هم کمک گرفته باشد. دکتر جو - ان گروس که عهده‌دار تألیف

بخشی ازین کتاب است، در تحقیقات خود سنگ تمام گذاشته است و تخصص مطالعات خود را در زمینه تاریخ نقشبندیه به اثبات رسانیده است.

۲

۲۵۷ نامه خواجه احرار و بستگان او منبعی سودمند تاریخ آسیای میانه و طریقه نقشبندیه در سده نهم هجری است. چون در این مجموعه بیشتر نامه‌ها از آن خواجه احرار است (۱۲۸ نامه)، به خوبی از آنها می‌توان پی‌برد که این شیخ بزرگ نقشبندیه ماوراءالنهر چه نفوذی در دربار هرات داشت؛ چگونه از مردم ستم‌دیده و حاجت‌مند حمایت می‌کرد، در نزاع‌های سیاسی چه تلاشهایی برای صلح به خرج می‌داد. مسایل و مشکلات روزمره مردم خواجه احرار را آسوده نمی‌گذاشت و او برای کوچکترین «مشکلی» مانند عبور و مرور مردم عادی از خراسان به ماوراءالنهر و از ماوراءالنهر به خراسان به دربار هرات سفارش می‌کرد (ر.ک: نامه شماره (303)؛ 299 (314)؛ 310).

به وضوح معلوم نیست که مخاطب یکی یکی ۲۵۷ نامه در این مجموعه کیست؟ اما چنان به نظر می‌رسد که بیشتر نامه‌ها خطاب به میرعلی شیر نوایی و ملازمان او نوشته شده است که تصویر خوبی از روابط روحانیت با حاکمیت سیاسی را ارائه می‌دهد. خواجه عبیدالله احرار همیشه وظیفه شرعی می‌دانست که حاکمان وقت را از حرکات غیر شرعی بازدارد و به ترویج شریعت محمدی وادارد (نامه (326)؛ 323). او به علم و علما حرمت قائل بود و از دربار نیز می‌خواست که علما را محترم و مکرم بدارند. در این مورد نامه‌ای که به دربار نوشت، بدین عبارت است:

... این فقیر را وظیفه آن می‌بود که همیشه از حضرت سلطان شهید [سلطان ابوسعید] التماس می‌کردم که در زمان سلطنت شما ارباب دانش که حق سبحانه به محض عنایت بی‌علت مظاهر انوار دانش که عکوس تجلیات بی‌نهایت حق سبحانه‌اند مشرف شده‌اند، به اقصی وجوه در احترام ایشان کوشید. حالا نیز بی‌ادبی بیشتر کرده التماس می‌کنم که نگاهداشت جانب عزیزانی که مظاهر انوارند از برای ترویج علم و شریعت از خدمت شما بسیار باشد. اگر چه این فقیر را حد آن نیست خدمت شما یقین که آنچه باید به تقدیم به اضعاف به آن جماعت که محل عنایت‌اند رسانیده آید. با این همه التماس می‌کنم که خالصاً لوجه سبحانه تمامی عزیزانی که حق سبحانه

ایشان را مشرف به انوار دانش گردانیده محترم و مکرم باشند. (نامه (325) 321) کسانی که خواجه احرار را از دید یک «شیخ طریقت» نگاه می‌کنند و البته حیثیت و شهرت او نیز بدین عنوان مسلم است، قطعاً از خواندن نامه‌های او در این مجموعه مأیوس می‌شوند، زیرا این نامه‌ها فاقد دقایق و معارف عرفانی - که خاصهٔ مکتوبات شیوخ طریقت است - می‌باشد و «عرضه‌داشت» های اجتماعی بیش نیست که برای مورخان تاریخ اجتماعی سودمند است.

یادآوری این نکته خالی از فایده نیست که خواجه احرار علاوه بر ۱۲۸ نامه که در این مجموعه چاپ شده است، نامه‌هایی نیز دارد که در کتاب احوال و سخنان خواجه عیدالله احرار (صفحات ۵۴۱ - ۵۷۲) منتشر کرده‌ام. در کتابخانه‌های لنین‌گراد و دوشنبه و تاشکند مجموعه‌هایی از مکتوبات احرار وجود دارد که برخی از آنها (دوشنبه، 146/II، ر.ک: احوال و سخنان...، ص ۵۴۴) همان است که چاپ کرده‌ام و بعضی دیگر هنوز بررسی نشده است.

۳

اکنون می‌پردازیم به چند نکتهٔ ضعیفی که در این مجموعه دیده می‌شود. این نکات ضعف را می‌توان به ۴ دسته تقسیم کرد:

۱. قرائت متن نامه‌ها در مواردی با اصل مطابقت ندارد.
۲. گزینش املاهای فارسی استاندارد نیست و در مواردی محل اشکال است.
۳. در بخش فارسی اشتباهات تایپی به کثرت دارد.
۴. با برخی نظرهای گردآوردندگان این کتاب می‌توان اختلاف کرد. اینک از هر چهار مقوله به چند مثال اکتفا می‌کنیم.

۱. عدم مطابقت متن چاپ شده با اصل

شمارهٔ نامه	مطابق چاپ شده	مطابق اصل
13	گر نگویم آنچه دارم درون	گر نگویم آنچه دارم در درون
	بمن جگرها گردد اندر حال خون	پس جگرها گردد اندر حال خون
14	خواجه علی به ملازمان	خواجه علی به ملازمت
	استغفاد استغفاد	استغفار استغفار

استقامت	استقامت	
و السلام	و اسلام	
	در زمانی که تفرقه محاصره	15
	بران طرف است.	
	در این عبارت کلمات «تفرقه محاصره»	
	مخلی معنی است و در اصل نیز به خط	
	غیر از متن در حاشیه آمده است و	
	در جای اصلی کلمات محو شده است	
	باری من این عبارت را چنین می‌خوانم:	
	در زمانی که... بر آن طرف آب	
	آن چیز ندارند	
[به آن خریدارنده	گستاخی	18
استاخی		
	خواجه احرار در همه نامه‌های خود «استاخی» نوشته است، اما مصحح آن را در	
	تمام موارد به «گستاخی» تبدیل کرده است. در حالی که استاخی نیز به همان مفهوم	
	گستاخی است و استاخ به معنی گستاخی در فرهنگ‌های قدیم و جدید مانند برهان	
	قاطع، فرهنگ حسین وفایی و فرهنگ دکتر محمد معین آمده است.	
	یقین کرده‌اند	25(26)
تعیین کرده‌اند	«از اوج عزیمت...»	21(52)
	در محلی که مصحح سه نقطه گذاشته و در پاورقی نوشته که دو کلمه	
	روشن نیست آن را باید «تنزلی بی» خواند.	
	با یکدیگر ممد متفق شوند	58(61.63)
با یکدیگر همه متفق شوند	بالتامی	
	هم آن خواهد آمد	
همه آن خواهد آمد	برخلاف این طریقه پیشین	266(271)
برخلاف این طریقه، طریقه پیشین	هر عنایت	279(283)
همه عنایت	حشمت و شوکت	280(284)
حقیقت و شوکت	بگاہ دارند	282(286)
نگاه دارند	که برای یافت	283(287)
از برای یافت		

بگرفتاریها امثال این فقیر	بگرفتاریهای امثال این فقیر	284(288)
گرفتار نکردند	گرفتار نکردند	
تخمیر	تخمیر	
شاید که خلافی	شاید خلافی	292(296)
کجا روند گدایان از آستان کریم	کجا روند گدایان ز آستان کریم	301(305)
مشغول گردانیده	مشغول گردانیده	305(309)
تا سوال و تا جواب آید دراز	تا سوال تا جواب آید دراز	
بجانب خود	بجانب خود	308(312)
خبرها واقع است	خبرها واقع است	309(313)
خیری واقع شد... چیزی که مخالف است واقع نخواهد شد	خیری واقع شد... چیزی که مخالف است واقع نخواهد شد	312(316)
هر سه کلمه که با قلم سیاه مشخص شده، یکی است که مصحح به سه گونه خوانده است.		
از خود چو گذشته همه عیش و خوشی	از خود چو گذشته همه عیش و خوشی	315(319)
نیست شو تا هستت از پی رسد	نیست شو تا هستت از پی رسد	
مصحح این دو مصراع را به گونه نثر آورده است!!		
محنتی بر او نرسد	محنتی به او نرسد	327(331)
التماس دارد	التماس دارد	330(334)
اشتغال نموده	اشتغال نموده	378(384)
آن قاعد علمی	آن فائده علمی	426(431)
کس نیک ببیند بهردو سرای	کسی...	438(443,445)
ز روز فروماندگی یاد کن	ز روی فروماندگی...	
مصحح محترم بعد از مصراع «که خلق از وجودش در آسایش است» این بیت را از قلم انداخته است:		

خداوند دولت غم دین خورد که دنیا به هر حال می‌گذرد

چون فقیری عاجزی درد دلی می‌گوید [از حال خویش]

مصحح در حاشیه توضیح داده که [از حال خویش] وزن شعر را مختل کرده است. تصویر این نامه نشان می‌دهد که نامه‌نویس این سه کلمه را خط زده است. پس نبایستی مصحح این را جزو متن قرار می‌داد. همین مورد در نامه (446) 660 نیز دیده می‌شود.

گوش با درد دل.... گوش با دردِ دلی...

452(458) از... ایشان را معاش بگذرد.

مصحح در جای سه نقطه لفظی ننوشته و در حاشیه می‌نویسد که متن ناخواناست و کلمه «ممر» خوانده می‌شود. و همین صحیح است و باید به متن برده شود.

453(459) برای درک وصال تو عمر می‌طلبم

مصراع است که به صورت نثر چاپ شده است.

466(472) هر آینه وظیفه نیازمندان جز دعا و فاتحه نیست

مصحح این را به عنوان مصراع ثبت کرده است، در صورتی که عبارت به نثر است.

491(697) عفو و تجاوز بسیار مبارک است عفو و بخشایش...

538(544) عرضه داشت این فقر ... این فقیر

خاطر شریف [در] دربار ملازمت دارند.

مصحح در حاشیه می‌نویسد که کلمه داخل پرانتز یعنی [در] برای روشن کردن مطلب اضافه شده است و مترجم انگلیسی نیز این جمله را چنین ترجمه کرده است:

Your noble mind may continue to serve at court (*darbār*)

اضافه «در» بیجا است و عبارت «خاطر شریف در بار ملازمت دارند» واضح است.

«در بار» یعنی زیر فشار و ملالت.

فرجی بدل او رسد فرجی به دل او رسد

551(558) خواطر شریف خاطر شریف

552(559) خاطر شریف به احوال خاطر شریف ملتفت به احوال

565(571) بقدر الواسع بقدر الوسع

588(594) قر... العین قرّة العین

تعدادی از برگهای مجموعه مراسلات چاپ فاکسیمیله نشده است و از خواننده امکان مقابله همه نامه‌های چاپ حروفی را می‌گیرد. چه خوب بود که عکس تمام نامه‌ها که در این مجموعه قرار گرفته است، عرضه می‌شد.

۲. اشکالات املائی فارسی

الف). املائی که مصححان برگزیده‌اند به هیچ وجه استاندارد نیست. مثلاً تاء خیر (ص ۱۲۴)، متاعلم (ص ۱۳۱)، تاء‌اید (ص ۱۵۵)، متاهل (ص ۲۱۷)، جرعات (ص

۲۱۷)، ماء لوف (ص ۲۴۷) الماء مور (ص ۳۵۳)، ماء لوفه (ص ۳۶۲). که در تمام موارد همزه را باید بالای الف گذاشت. حیوه (ص ۱۳۸) را باید حیوة نوشت.
 ب) مصححان در نقلِ نامه‌ها از هیچ گونه اعراب و علائم وقف استفاده نکرده‌اند و عبارات را مسلسل (بدون ویرگول، نقطه) چاپ کرده‌اند که أخذ مطلب و مفهوم را دشوار ساخته است.

۳. اشتباهات تایپی

شمارهٔ نامه	صورتِ چاپ شده	صورت صحیح
13	اشتغال ادوام	اشتغال و دوام
14	الطاف اعنایت	الطاف و عنایت
	دربراه	درباره
25(26)	چنینین	چنین
49(50)	چنینین	چنین
58(61,63)	درانده صحیفه	دارندهٔ صحیفه
59(62)	چنینین	چنین
267(272)	بخاط	بخاطر
387(393)	نقل کرده‌اند	نقل کرده‌اند
441(447)	ملتف	ملتفت
451(457)	فرومانگی	فروماندگی
458(464)	دارندهاء رقعہ	دارنده‌های رقعہ
	مایحتاج	مایحتاج
	مکارمِ احلاق	مکارم اخلاق
461(467)	مقاصد دینی و نبیوی	مقاصد دینی و دُنیوی
466(472)	نیکه دارد	نگه دارد
۳۴۰	495(501)	496(502)
538(544)	شمار	شما را
587(593)	نی گناهست	بی گناهست

در بخشِ نمایه‌های فارسی (ص ۴۴۹ - ۴۶۹) اشتباهات تایپی در حدِّ تأسفانگیز

فراوان است و معلوم نیست چرا مؤلفان کتاب از آنها چشم‌پوشی کرده‌اند؟ مهم‌ترین مورد اشتباه در این بخش کلمه «الله» است که در سرتاسر بخش نمایه‌ها به صورت «اللاه» درآمده است. مثلاً:

سعدالله، اقل عبدالله، الداعی سعد اللاه، عبیدالله...
اما اشتباهات دیگر نیز کم مقدار نیست، مثلاً:

صفحه	خطا	صواب
۴۴۹	فهرست نامهایی مؤلفان فعات (۲ بار)	فهرست نامهای مؤلفان رقعات
	فهرست اصطلاحات	فهرست اصطلاحات
۴۵۰	امیر شجاع‌الدین سیدبدر	امیر شجاع‌الدین...
۴۵۱	شمس‌الحق تبریزی	شمس‌الحق تبریزی
۴۵۲	خواجه عبدالواحد	خواجه عبدالواحد
۴۵۵	مولانا نظام‌الدین / مولانا نظام‌الین	مولانا نظام‌الدین
	فهرست اصطلاحات	فهرست اصطلاحات
ضمناً در این فهرست ترتیب الفبایی دقیق نیست مثلاً دال (ادب) را بر جیم (اجنبی) تقدیم داشته‌اند!!		
۴۵۷	مارت مآب	امارت مآب
۴۵۹	حامل رقه	حامل رقعہ
۴۶۰	حقوق دوستیو	حقوق دوستی و
	حیه حقیقی یعنی	حیوة حقیقی یعنی
۴۶۱	داد حواهان	داد خواهان
۴۶۸	بدخشا	بدخشان
۴۶۹	خانقله	خانقاه
	دارلاحسان هراه	دار الاحسان هراة

۴. اختلاف نظر با مؤلفان

۱. دکتر جو - آن گروس در مقاله‌های خود که در این مجموعه به عنوان مقدمه آمده است، مسموعات میر عبدالاول نیشابوری را biography یعنی زندگینامه خواجه احرار قلمداد کرده است (ص ۴۶، ۷۴). مسموعات چنان که از عنوانش پیداست شنیده‌های

میرعبدالاول است از زبان خواجه احرار، که در ادبیات عرفانی اسلامی به آن «ملفوظات» نیز گفته‌اند. در مسموعات میرعبدالاول هر چند اشارات متعدد به وقایع زندگانی خواجه احرار موجود است، اما این کتاب را نمی‌توان زندگینامه به معنی عرف آن گفت، زیرا هیچ تبویب موضوعی ندارد و من در مقدمه خود بر چاپ مسموعات در احوال و سخنان خواجه عییدالله احرار سخن‌های گفتنی را گفته‌ام.

۲. دکتر گروس نوشته است که خواجه علی تاشکندی مثل عبدالاول، مرید و داماد خواجه احرار بود (ص ۷۶). این خبر نه سند دارد و نه صحت. داماد دیگر خواجه احرار میر عبدالله بن تقی الدین محمد کرمانی بود (ر.ک: احوال و سخنان خواجه عییدالله احرار، ص ۶۸، ۷۱).

۳. نام سید تقی الدین محمد کرمانی با حرف نون سید تقی [Naqi] آمده است (ص ۸۴) که خطاست. خود خانم گروس در ص ۸۸ ضبط درست تقی الدین آورده است.

۴. چاپ جغرافیای حافظ‌ابرو قسمت ربع خراسان / هرات به نجیب مایل هروی منسوب شده است (ص ۷۴، پاورقی ۷۶). این کار پدر ایشان رضا مایل هروی است که معمولاً نام کوچک ایشان [رضا] چاپ نمی‌شد و در چاپ مذکور هم فقط مایل هروی ثبت شده است. ضمناً خانم گروس نام کتاب را «قسمت ربع خراسان و هرات» نوشته است که واو زائد است.

۵. خانم گروس نام پدر خواجه احرار را خواجه محمد نوشته است (ص ۱۴۶، حاشیه ۶۴). نام پدر خواجه احرار محمود است چنان که خود خانم گروس در جاهای دیگر کتاب نوشته است.

۶. در فهرست منابع (Bibliography) منبعی بدین صورت ضبط شده است «امیر نظام الدین علی شیر بن شرف خان ولی ممالک هندوستان نوشته» (ص ۴۳۰). ازین مأخذ من چیزی نفهمیده‌ام که منظور چه کتابی است؟

۷. چاپ نفحة الروح... به مایل هروی منسوب شده است (ص ۴۳۰) که البته منظور آن نجیب مایل هروی است. برای تمییز کارهای این پدر و پسر دانشمند باید نام کوچک آنان را نوشت.

۸. قندیّه و سمریّه هم در منابع اولیه (ص ۴۳۰) و هم در منابع ثانوی (ص ۴۳۲) آمده است که انساب بود فقط در یکی از فهرس منابع می‌آمد.

پی‌نوشتها

۱. روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات، با تصحیح و حواشی و تعلیقات محمد کاظم امام، دانشگاه تهران، ۱۳۳۸ ش، ص ۳۰۹ - ۳۱۰.
۲. به نقل از بزرگان فائن تألیف سید محسن سعیدزاده، قم، ۱۳۶۹ ش، ج ۱، ص ۵۲۸.
۳. خواجه احرار خود می‌گوید که خط من خط یاقوت [مستعصمی] نیست، خط شکسته است که مردم به تشویش می‌خوانند (احوال و سخنان خواجه عبدالله احرار، ص ۳۴). البته باید به خاطر داشت که مولانا خواجه علی تاشکندی نامه‌نویس خواجه احرار بود. خواجه احرار املاء می‌کرد و او می‌نوشت و معلوم نیست که رُقعاتی که اکنون با امضای «الفقیر عبیدالله» در مجموعه مراسلات دیده می‌شود به خط احرار است یا از قبل او به دستخط خواجه علی؟ (ر.ک: رشحات عین الحیات، تهران، ۱۳۵۶، ج ۲، ص ۶۳۳ - ۶۳۴).
۴. شعرا از بوستان سعدی است و در باب دوم دوبار تکرار شده است. در تصحیح محمدعلی فروغی «زروز فروماندگی یاد کن» ضبط شده، اما در اصل نامه مورد بحث «ز روی...» نوشته است.





نمونه دستخط خواجه احرار برگرفته از نامه‌های او

نقد و بررسی / نامه‌های خواجه عبدالله احرار و...

<p>۳۱۴</p> <p>مدرسه علمیه تاریخ سال ۱۰۰۰ تاریخ سال ۱۰۰۰ تاریخ سال ۱۰۰۰ تاریخ سال ۱۰۰۰ تاریخ سال ۱۰۰۰</p>	<p>۳۱۵</p> <p>مدرسه علمیه تاریخ سال ۱۰۰۰ تاریخ سال ۱۰۰۰ تاریخ سال ۱۰۰۰ تاریخ سال ۱۰۰۰ تاریخ سال ۱۰۰۰</p>
<p>۳۱۶</p> <p>مدرسه علمیه تاریخ سال ۱۰۰۰ تاریخ سال ۱۰۰۰ تاریخ سال ۱۰۰۰ تاریخ سال ۱۰۰۰ تاریخ سال ۱۰۰۰</p>	<p>۳۱۷</p> <p>مدرسه علمیه تاریخ سال ۱۰۰۰ تاریخ سال ۱۰۰۰ تاریخ سال ۱۰۰۰ تاریخ سال ۱۰۰۰ تاریخ سال ۱۰۰۰</p>

نمونه دستخط خواجه احرار برگرفته از نامه های او